

## فرخنده باد روز اول ماه مه روز همبستگی رزمجویانه کارگران جهان

### پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان میهن به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان ایران؛  
کمیته مرکزی حزب توده ایران با پر شور ترین درود های  
انقلابی، روز اول ماه مه، روز همبستگی خلل ناپذیر توده های  
کار و زحمت را به شما مبارزان پیگیر و آشتی ناپذیر راه  
آزادی، استقلال و آرمان های عدالت خواهانه شادباش می  
گوید. روز اول ماه مه ۱۸۸۶، کارگران شیکاگو، برای  
کاهش زمان کار روزانه به هشت ساعت، طلایه دار مبارزه  
ای قهرمانانه ضد نظام نابرابر و غیر انسانی سرمایه داری  
شدند، و سنتی مبارک و انقلابی را در تاریخ جنبش کارگری  
جهان به یادگار گذاشتند. زحمتکشان جهان، هر ساله در این  
روز، با شعارها و خواست های مشخص ضد استثمار سرمایه  
داری و سلطه مخرب اقتصادی انحصارهای فراملی، و برای  
بهبود شرایط کار، زندگی و محیط زیست، همبستگی و  
اراده خلل ناپذیر خود را به تغییر جهان و رها ساختن کار از

زنجیرهای سرمایه، اعلام می کنند. در ایران نیز زحمتکشان از  
سال ۱۳۰۱، اول ماه مه را، هر ساله، به ابتکار جنبش کارگری  
و کمونیستی میهن ما، در شرایط بسیار دشوار حاکمیت خشن  
ترین اشکال بهره کشی سرمایه داری، جشن گرفته اند.  
طبقه کارگر، و زحمتکشان جهان امسال، در شرایط دگرگون  
شده ای، جشن اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر  
جهان و روز نمایش وحدت رزمجویانه توده های محروم در  
روبارویی با سرمایه را استقبال می کنند. دوران عقب گردهای  
جنبش کارگری، در پی فروپاشی کشورهای سوسیالیستی و  
خصوصاً اتحاد شوروی، به پایان رسیده است، و بررغم تمایل  
و تبلیغات سرمایه داری، جنبش کارگری جهان قنوس وار از  
میان خاکسترهای شکست سر بلند کرده است و باردیگر با

ادامه در ص ۳

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۳۰، دوره هشتم  
سال چهاردهم، ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷

## عقب نشینی

### «ولی فقیه» در برابر خشم توده ها و درس های پیروزی

دستور آزادی کرباسچی توسط سید علی  
خامنه ای، در شرایطی انجام گرفت که بر  
اساس گزارش های رسیده، ایران خود را برای  
تظاهرات بزرگی ضد رژیم «ولایت فقیه» آماده  
می کرد. جلسه شتابان هیأت دولت، ملاقات  
مجدد رفسنجانی و خامنه ای، و تلاش دولت  
برای آرام کردن اوضاع، نشانگر عمق بحرانی  
است که سرپای رژیم را فرا گرفته است. عقب  
نشینی سریع «ولی فقیه»، یک روز پس از  
تظاهرات چندین هزار نفری دانشجویان در  
مقابل دانشگاه تهران، باوجود تقاضای دولت  
مبنی بر خودداری از حرکت های اعتراضی، و  
هراس شدید مجموعه حاکمیت از «خطر  
جدی» به خیابان ریختن توده های خشمگین از  
تداوم استبداد، ظلم و بی قانونی، حاوی  
نکات و درس های جالبی است که می باید به  
آن توجه جدی کرد.

نخست آنکه، حوادث اخیر نشان داد  
سیاست های جناح راست برای سرکوب  
جنبش و بازگرداندن شرایط به پیش از دوم  
خرداد ماه ۱۳۷۶، با مقاومت جدی و  
هوشیارانه توده ها روبرو است، و سیاست این  
نیروها بیش از پیش از جانب جامعه طرد شده  
است. اتخاذ سیاست های آشکارا ضد مردمی،  
یورش به آزادی ها و حقوق شهروندان و تهدید

ادامه در ص ۶

### گزارشی از تظاهرات هزاران دانشجوی معترض در مقابل دانشگاه تهران

«باوجود لغو راهپیمایی از سوی دفتر تحکیم وحدت، از ساعت ۱۳/۳۰،  
گروه زیادی از مردم و دانشجویان که تعدادشان بیش از دو هزار نفر بود در  
مقابل دانشگاه تهران اجتماع کردند. نیروهای انتظامی به مردم برای متفرق  
شدن اخطار دادند و در همین حال عده ای از حماق داران انصار حزب الله با  
شعار «مرگ بر کرباسچی»، نخست مردم را با سلاح های سرد تهدید کردند  
و سپس به جمعیت حمله بردند. درگیری میان مردم، دانشجویان و  
چماقداران نزدیک به چهار ساعت بطول انجامید. یگان ویژه پاسداران و  
نیروهای انتظامی با آغاز درگیری با استفاده از باتوم به مردم یورش بردند و

شمار زیادی از دانشجویان را مضرور و دستگیر کردند.  
درگیری ها و تشنج از خیابان بلوار کشاورز آغاز شد و  
حیطه آن به قدری گسترده بود که رهگذران خیابان  
انقلاب نیز بی نصیب از کتک ها نبودند. بر اساس  
گزارش یکی از شاهدان عینی وقتی از گروه انصار حزب  
الله سؤال شد که چرا بچه ها را کتک می زنید و  
دستگیر می کنید در پاسخ گفتند: ما از نیروهای انتظامی  
جواز داریم».

عکس ها از شروع تظاهرات و یورش پاسداران به مردم

یورش تازه مجلس شورای اسلامی به حقوق زنان  
مواضع «جالب» سخنگوی «انصار حزب الله»  
نگاهی به هشتاد سال جنبش کارگری در ایران  
پیام های احزاب کارگری و کمونیستی

در ص ۲  
در ص ۲  
در ص ۵،۴  
در ص ۸

در این  
شماره

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## یورش تازه مجلس شورای اسلامی به حقوق زنان

بر روشنی اعتراف کردند که تصویب چنین طرحی در گذشته، به دلیل عدم وجود امکانات لازم و یا به عبارت دقیق تر، نبود تعداد کافی زنان در بیمارستان و مراکز پزشکی، ممکن نبوده است، ولی اکنون شرایط مناسبی برای تصویب چنین لایحه ای فراهم آمده است. تصویب این طرح، در پی تصویب لایحه منع استفاده از تصویر زنان در مطبوعات، دومین یورش مجلس شورای اسلامی ضد حقوق زنان میهن ما در هفته های اخیر است، که نباید از کنار به سکوت گذشت. تصویب چنین طرحی، دشواری های زیادی را برای زنان میهن ما، خصوصاً در شهرستان ها ایجاد خواهد کرد. یکی از مخالفان این طرح در سخنان خود در مجلس، درباره مضرات این لایحه از جمله گفت: «چندی پیش در اثر سانحه رانندگی در نزدیک قم مجروحان را با وانت به بیمارستان شهید بهشتی (مخصوص زنان) رسانیدند که دم در بیمارستان مجروحین زن را مانند هندوانه جدا کردند و مجروحین مرد را هم رد کردند...».

مبارزه با این طرح ارتجاعی که چیزی اعمال سیاست های «طالبان» گونه در کشور ما نیست، وظیفه ای است درنگ ناپذیر که تمامی نیروهای ملی و مترقی کشور باید با تمام توان در راه سازماندهی آن بکوشند.

بر اساس گزارش روزنامه همشهری (پنجشنبه، ۳ اردیبهشت، ۱۳۷۷) مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه خود، کلیات طرح انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرعی، را به تصویب رساند. بر اساس همین گزارش، در صورت تصویب جزئیات این طرح در شور دوم، کلیه بیمارستان ها و آزمایشگاه ها موظف خواهند بود «اقدامات تشخیصی، درمانی، جابجایی بیماران و غیره باید توسط کارکنان همجنس بعمل آید و در موارد ضروری به تشخیص بالاترین مسئول مرکز با رعایت ضوابط شرعی و حضور یکی از کارکنان همجنس یا یکی از محارم بیمار می توان از کارکنان غیر همجنس استفاده کرد».

تصویب این طرح که با مخالفت نماینده پارلمانی وزارت بهداشت صورت گرفت، یورش جدیدی از سوی طرفداران «ذوب در ولایت» ضد حقوق زنان در کشور ماست. بر اساس این لایحه ارتجاعی و ضد مردمی، تبعیض جنسی در بیمارستان های کشور هم برقرار خواهد شد و در صورتی که مراکز پزشکی از تعداد کافی کارکنان زن برخوردار نباشند، بسیاری از بیماران و مراجعان زن در امور درمانی، با دشواری های زیادی روبرو خواهند شد. جالب اینکه طرفداران این لایحه در دفاع خود از آن



## اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) هدف جناح راست کوبیدن و سرکوب است

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)، روز یکشنبه ۳۰ فروردین ماه، در نشست مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی، به تشریح دیدگاه های دفتر در مورد مسایل روز پرداخت. در این نشست سعیدی، فراهانی و میردامادی، سه تن از اعضای مرکزیت شورای تحکیم وحدت به عنوان سخنگویان این دفتر، به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. سعیدی در مورد دستگیری شهردار تهران از جمله گفت: «کسانی که شهردار تهران را بازداشت کردند باید به این پرسش پاسخ بدهند که چطور در هشت سال گذشته از اقدامات شهرداری تهران حمایت می کردند و بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت آقای خاتمی به فکر تخلفات شهرداری افتاده اند؟ آیا جز این است که جناح مغلوب با دستگیری کرباسچی تصمیم دارد همه طرفداران آقای خاتمی را پشت سر وی قرار دهد و با کوبیدن و سرکوب آنها در نهایت با رییس جمهور مقابله کند؟».

سعیدی در ادامه همین سخنان و در مورد لئو نظاهرات ۲۵ فروردین و مواضع دولت، ضمن انتقاد از رییس جمهوری در زمینه عدم شفافیت گفتگو با مردم گفت: «ما از ریاست محترم جمهوری انتظار داریم در خصوص مسایل سیاسی اخیر به طور واضح و روشن با مردم گفتگو کنند و تا حدی که امنیت ملی کشور به خطر نمی افتد از دیپلماسی پنهان بپرهیز کنند...» میردامادی عضو دیگر شورای مرکزی دفتر نیز در سخنانی ضمن اشاره به دوگانگی آشکار برخورد دستگاه قضایی، از جمله گفت:

«در حال حاضر بسیاری از پرونده های مطروحه در قوه قضاییه موجود است که علیرغم حساسیت آنها - از جمله پرونده بنیاد جانبازان، پرونده تخلفات انتخاباتی دوم خرداد ماه، شکایت دفتر تحکیم وحدت از روزنامه رسالت و از فرمانده نیروی انتظامی، شکایت بهزاد نبوی از حسین الله کرم، دستگیری گروهی از هواداران آقای خاتمی دو روز پیش از انتخابات، مذاکرات لاریجانی در لندن و ... - قوه قضاییه تعجیلی در رسیدگی به آنها نشان نمی دهد...»

در همین مصاحبه، همچنین اعلام شد که دفتر تحکیم وحدت قرار است به مناسبت سالگرد دوم خرداد ماه همایش بزرگی را برگزار کند.

## مواضع جالب سخنگوی «انصار حزب الله»

را هم ندهد این مملکت خفه خون می گیرد! سؤال: فکر می کنید که راه بهتری برای اظهار نظر نیست؟ جواب: ۲۰ سال است که ما نتوانستیم راه بهتری به این آقایان با زبان بگوییم. ما می گوئیم اگر دانشجو هستید برای مملکت حرکت کنید. برای سازندگی. رفته «پیتزا» خورده می گوید ما بیرو خطر رهبر هستیم. رهبر ما یک خط دارد. سؤال: چرا قبلاً و با توجه به موضوعات دیگر از این شعارها که «غارتگر بیت المال اعدام باید گردد» در نماز جمعه داده نشد؟ جواب: چرا داده نشد؟ توی نماز جمعه ما خیلی شعار دادیم... سؤال: یک عده معتقدند شعار شما در نماز جمعه خطاب به آقای هاشمی بوده است؟ جواب: من نمی دانم. من در این قضیه نبودم، اگر بودم رو راست بگویم، برادر، پدرم و هرکس دیگری که باشد باید محاکمه شوند. مادامیکه زنده هستیم مرگ بر آمریکا می گوئیم پرچمش را آتش می زنیم. چون هر چه کشیدیم از آمریکا و انگلیس کشیدیم. ما سازش نمی کنیم. کاری به مملکت ما نداشته باشند، به رهبر ما کاری نداشته، باشد دزدی نکنند، ناو نیاورند به رخ ما بکشند، ملتی که در مکتبش شهادت است از ناو نمی ترسد. آمریکا نمی تواند دونه را تشیع کند، ولی ما می توانیم ۵ هزار نفر را تشیع کنیم...».

سخنرانی پارلمانی روزنامه «سلام» با «حاجی بخشی» که به گفته روزنامه «سلام» «از چهره های شاخص و سرشناس انصار حزب الله است که هزار چند گاهی به دعوت یکی از نمایندگان به مجلس شورای اسلامی» می آید، مصاحبه ای بعمل آورده است. در زیر بخش هایی از اظهار نظرهای این «چهره سرشناس» انصار حزب الله را نقل می کنیم:

«سؤال: آقای بخشی نظرتان در مورد این شعارها و برخوردها در نماز جمعه اخیر تهران چیست؟ جواب: ما با غارتگران بیت المال در هر مقام و مسئولیتی مخالفیم. هرکس که می خواهد باشد باید محاکمه شود... سؤال: آیا معتقدی که یکبار دیگر باید انقلاب بشود (از نماز جمعه)؟ جواب: نه. نتیجه انقلاب ما جمهوری اسلامی است. در جمهوری اسلامی هر انقلابی را ما خفه می کنیم. ما باید در لوی اسلام خدمتگزار باشیم و مسئولان هم همینطور. چطور پنجشنبه پیش که آقایان نهضت آزادی و جبهه ملی به ما گفتند طالبان: آیا ما طالبان هستیم؟ آیا ما شیعیان بی مخ هستیم؟ کدام شیعیان بی مخ چهار شهید داده است، ۸ سال جنگ کرده است، ما نمی گذاریم ایدی آمریکا به ایران بیایند، مقابل آنها خواهیم ایستاد. سؤال: ایدی آمریکا چه کسانی هستند؟ جواب: ما خودمان می دانیم. آنها بی مخ از مذاکره و رابطه با آمریکا می زنند. سؤال: به نماز جمعه بپردازید. جواب: افراد معترض در نماز جمعه مردم حزب الله بودند. سؤال: آیا این شیوه صحیحی برای اظهار نظر است؟ جواب: حزب الله اگر نباشد این شعار

## «جشن نشان» و «سرداری»

روزنامه «جامعه» در شماره ۲۴ فروردین ماه خود مطلب طنزی دارد به نام «جشن نشان» که در آن از جمله آمده است: «در راستای قدردانی از بزرگان که با خدمات خود مشت محکمی به دهان استکبار جهانی کوبیده اند نشان های زیر اعطاء می گردد:

نشان سردار «سازندگی» به «هاشمی رفسنجانی» برای قدردانی از خدمات شهردار تهران.  
 نشان «سردار «رانندگی» به «محسن رفیق دوست» به خاطر رانندگی در روزهای انقلاب.  
 نشان «سردار دارندگی» به یکی از «حبیب الله» ها یا «علی اکبر» ها فرقی نمی کند.  
 نشان «سردار شرمندگی» به «سید محمد خاتمی» به خاطر اظهارات فروتنانه در سخنرانی های تلویزیونی و احساس خجالت بیش از حد در دعوی سیاسی.  
 نشان «سردار بازندگی» به «مصطفی هاشمی طبا» به خاطر سیاست های ورزشی در مسابقات فوتبال.  
 نشان «سردار گویندگی» به «عطالله مهاجرانی» به خاطر نقش فعال ایشان به عنوان سخنگوی دولت.  
 نشان «سردار گیرندگی» به «کمیته امداد» به خاطر خدمات فراوانی که در طول ۱۸ سال از ملت گرفته است...»



## ادامه پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ...

تمام توان پیکار در راه تحقق آرمان‌های سوسیالیستی، از جمله عدالت اجتماعی و پایان دادن به نظام استثمار انسان از انسان را پی می‌گیرد. سرمایه داری در آستانه هزاره سوم، باردیگر با بحران شدید و گسترش یابنده ای روبرو است. بحران همه جانبه و بی سابقه اقتصادی در کشورهای شرق آسیا که «بیرهای اقتصادی» سرمایه داری در این قاره محسوب می‌شدند بحدی که اقتصاد ژاپن، یعنی یکی از نیرومندترین اقتصادهای کشورهای پیشرفته سرمایه داری را با مخاطرات جدی روبرو کرده است، بحران بیکاری بیش از ۳۰ میلیون زحمتکش و در پی آن تشدید فقر و جنایت در کشورهای سرمایه داری پیشرفته، و افزایش فاصله طبقاتی میان اکثریت زحمتکشان جامعه و اقلیتی که بخش اعظم منابع و امکانات را در اختیار خود دارد، نشانگر بی‌پایگی تبلیغات سرمایه داری در باره توان مادی - معنوی و ماهیت نظامی است که اساس آن بر استثمار و غارت دسترنج صاحبان اصلی جامعه، یعنی کارگران و زحمتکشان استوار است. افزون بر این، تعمیق شکاف میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و دیگر کشورهای جهان، در شرایطی که نزدیک به یک میلیارد نفر از جمعیت جهان، در فقر و محرومیت بی سابقه ای به سر می‌برند، نشان می‌دهد که سرمایه داری نه تنها توان حل معضلات جامعه بشری را ندارد، بلکه خود عامل اساسی و ریشه این معضلات و مشکلات است. زحمتکشان به تجربه در یافته اند که بر رغم دستاورد های شگرف جامعه بشری و گسترش انقلاب علمی - فنی، و وفور منابع حیاتی اولیه قابل دسترسی، به دلیل سلطه سرمایه داری، بخش عظیمی از مردم جهان ضمن اجبار به کار در شرایط بسیار دشوار و گاه غیر انسانی، از بسیاری حقوق انسانی مانند حق مسکن، آموزش و بهداشت محروم هستند. آنان به تجربه در یافته اند انتظار اینکه سرمایه داران بر پایه عواطف و احساسات انسانی و یا اعتقادات مذهبی خود به قبول ضرورت استقرار عدالت اجتماعی حاضر گردند، عبث است، زیرا اصل حاکم بر نظام سرمایه داری چیزی جز افزایش سود و بهره وری سرمایه نیست و احکام اخلاقی در باره سرنوشت انسان‌ها، در آن تأثیری ندارد.

طبقه کارگر، و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال روز اول ماه مه می‌روند که مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، که خود نقش روز افزونی در آن دارند، به مراحل سرنوشت سازی نزدیک می‌شود. نوزده سال پس از انقلاب شکوهمند و مردمی بهمن ۱۳۵۷، اکثریت عظیم مردم میهن ما همچنان از آزادی و عدالت اجتماعی و استقلال واقعی محرومند و بر رغم وجود منابع عظیم طبیعی در کشور، با فقر و محرومیت بی سابقه ای دست به گریبان اند. سیاست‌های مخرب، ضد ملی و ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه»، جامعه را در بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی فرو برده است. استبداد خشن مذهبی، ظلم، جور و فساد در مجموع، شرایط فاجعه باری را بر زندگی مردم میهن ما تحمیل کرده است. ابعاد بحران اقتصادی - اجتماعی در عرصه های گوناگون از جمله عدم وجود یک سیاست روشن و مترقی در جهت ایجاد زیر ساختارهای صنعتی - اقتصادی، بحران ارزی، کاهش چشمگیر درآمدهای ارزی از طریق فروش نفت، بدهی های دهها میلیارد دلاری به بانکهای جهانی، رکود شدید تولید، تعطیل کارخانه ها و واحد های تولیدی، و بیکاری توده ای، آنچنان گسترده است که چشم انداز هیچگونه بهبود اساسی در وضعیت کنونی، حتی از سوی کارشناسان جمهوری اسلامی نیز مشاهده نمی‌شود.

در پنج ماهه اخیر موج وسیع و گسترش یابنده ای از اعتصاب های کارگری، کارگاه های صنعتی عمده کشور را فرا گرفته است. اعتصاب های شکوهمند کارگران در کارخانه های وابسته به گروه صنعتی ملی، گروه صنعتی قطعات پولادی کرج، کارخانه های نساجی در اصفهان، بهشهر و شاهي و در ده ها مرکز صنعتی دیگر در گوشه و کنار کشور برای افزایش دستمزدها، پرداخت به موقع حقوق و مزایا، دریافت عیدی و پاداش، و حق ایجاد تشکل مستقل صنعتی، نشانگر رشد آگاهی و جنبش مبارزاتی - مطالباتی کارگران میهن ما، و عنصر نو و سرنوشت سازی در مبارزه توده ها در مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. ما این خیزش نو و گسترش چشمگیر مبارزات صنعتی و حق

طلبانه طبقه کارگر ایران را نشانه روشنی از ورود جنبش مردمی ضد رژیم «ولایت فقیه» به مرحله کیفیتا نوینی که طبقه کارگر متشکل نقش مهمی را در آن ایفاء می‌کند، می‌دانیم.

مرحله اخیر مبارزات شکوهمند کارگران ضد رژیم و در راه تحقق خواست های صنفی شان، از جمله افزایش دستمزدها متناسب با هزینه زندگی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، توقف تعطیلی کارخانه ها و اخراج های گسترده، امنیت شغلی، توسعه تعاونی های مسکن و مصرف، و ایجاد سیستم خدمات اجتماعی را نمی‌توان و نباید یک مرحله گذرا و موقت در مبارزات کارگران دانست که به اراده این و یا آن مقام مسئول و یا برخی اصلاحات جزئی فروکش خواهد کرد.

بحران سیاسی که سرپای رژیم را فرا گرفته است، در مجموع، شرایط مناسبی را برای تشدید مبارزه، عقب نشاندن ارتجاع و استبداد حاکم، و دستیابی به برخی خواست های اجتماعی و سیاسی، فراهم آورده است. برخورد های روبه گسترش جناح های گوناگون، در ابعاد بی سابقه، و مقاومت وسیع توده ای در مقابل تلاش نیروهای ارتجاعی برای بازپس گرفتن مواضع از دست رفته در مجموع وضعیت حاد و حساسی را در میهن ما به وجود آورده است. جنبش توده ای در سال گذشته حکایت از حرکت دقیق و آگاهانه توده ها در مقابل ترندهای رژیم ارتجاعی دارد. حزب ما اکنون مدتها است که بر این اصل پای فشرده است که با ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی‌توان به تحقق تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک امیدوار بود. حوادث ماه های اخیر شواهد انکار ناپذیری است بر صحت ارزیابی حزب ما از وضعیت کنونی. حزب توده ایران در چهارمین کنگره خود که در بهمن ماه سال ۱۳۷۶ برگزار شد، به درستی بر این نکته تأکید کرد که مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی از مراحل گوناگونی عبور می‌کند و طی این مراحل است که شعارهای مبارزاتی دقت و کارایی لازم را پیدا می‌کنند. مبارزات کارگری و دانشجویی ماه های اخیر موجد تحقق این روند در جامعه ماست. امروز کارگران در مقابل جریان خصوصی کردن مراکز تولید ایستادگی می‌کنند و خواهان ایجاد تشکل های صنفی و مستقل هستند. جنبش دانشجویی نیز همراه با توده ها در مقابله با ارتجاع، مواضع حساس رژیم استبداد را هدف قرار داده است و خواست های مشخص و مهمی را همچون برکناری عناصر ارتجاعی و ضد مردمی از جمله شیخ محمد زیدی، رییس قوه قضاییه، و واگذاری فرماندهی نیروهای انتظامی به وزیر کشور را مطرح می‌کنند.

کارگران و زحمتکشان ایران!

پیروزی در این مبارزه سرنوشت ساز در گرو پیکار متحد و متشکل شما است. ایجاد و تقویت تشکل های کارگری مستقل از دولت، شرکت فعال در ابراز همبستگی با کارگران اعتصابی، به هر طریق ممکن، از جمله انتشار اخبار اعتصاب، مقاومت در مقابل ارگان های سرکوبگر، ایجاد صندوق های کمک مالی به کارگران اعتصابی از جمله وظایف مهمی است که پیش روی جنبش کارگری قرار دارد. حزب توده ایران معتقد است که ایجاد تشکل های وسیع اجتماعی و صنفی، و طرح کردن خواست ها و شعارهای درست و واقع بینانه صنفی - سیاسی در مسیر منافع زحمتکشان، گام اساسی در تدارک مرحله بعدی و تعیین کننده مبارزه است. اکنون زمان آن فرارسیده است که به موازات کوشش برای اتحاد هر چه گسترده تر مردم در روبرویی با دیکتاتوری «ولایت فقیه»، مبارزه هدفمندی را برای سازماندهی مشخص مبارزات خلق و ایجاد نهاد های ضرور برای تضمین تداوم و گسترش جنبش پایه بریزیم.

کارگران و زحمتکشان ایران!

بار دیگر فرا رسیدن اول ماه مه را به شما سازندگان واقعی تاریخ تبریک می‌گوییم و با قلبی سرشار از بهترین آرزوها برای پیروزی خلق های میهن ما، و در رأس آن طبقه کارگر، به استقبال روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر می‌رویم.

زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

زنده باد طبقه کارگر قهرمان و پیکارگر ایران!

پیروز باد مبارزه متحد در راه آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم کارگر ستیز «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



# نگاهی به هشتاد سال جنبش کارگری در ایران

از ده هزار کارگر شاغل، نه هزار نفر در اعتصاب شرکت کردند. این اعتصاب بزرگ سه روز به طول انجامید و در اثر حمله پاسبانان و سربازان، شماری از کارگران زخمی و بیش از ۳۰۰ تن از آنها بازداشت و روانه زندان شدند. خواست های کارگران در این اعتصاب، از جمله افزایش دستمزدها به میزان ۱۵ درصد، به رسمیت شناختن اتحادیه های کارگری، به رسمیت شناختن اول ماه مه به عنوان روز کارگر، دخالت نماینده کارگران در مدیریت از جمله در اخراج و استخدام کارگران، و کاهش زمان کار به ۷ ساعت برای جوانان کمتر از ۱۸ سال بود.

حرکت عظیم کارگران، پایه های حکومت ارتجاعی رضا شاه را بشدت به لرزه درآورد و در دهم خرداد ماه ۱۳۱۰، مجلس ایران به فرمان رضا شاه، قانون ننگین ضد کمونیستی را از تصویب گذراند و راه را برای یورش ارتجاع به جنبش کارگری و کمونیستی ایران باز کرد. عده زیادی از کمونیست ها و چهره های برجسته جنبش کارگری میهن ما در همین دوران بازداشت و روانه زندان های رضا شاه شدند. در همین دوران است که شخصیت های برجسته ای مانند حجازی، علی شرقی، سید محمد تنها، انزایی، استاد غلامحسین نجار، یرواند یغیکیان، پور رحمتی و غیره به دست دژخیمان رضا شاه در زندان زیر شکنجه به شهادت رسیدند. دستگیری و محاکمه ۵۳ نفر از جمله دکتر تقی ارانی که در دادگاه رژیم، قانون سیاه رضا شاه و حکومت ضد مردمی او را به محاکمه کشید، از دیگر حوادث مهم این دوران است. شهادت دکتر تقی ارانی در زندان به دست شکنجه گران رژیم رضا شاه، جنایت بزرگ دیگری بود که بر جنایات قبلی رژیم افزوده شد. سقوط حکومت رضا شاه در شهریور ماه ۱۳۲۰، آزادی زندانیان کمونیست از زندان و سرانجام تشکیل حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰ آغاز مرحله نوین دیگری در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران بود.

حزب توده ایران از همان آغاز کار، فعالیت برای سازماندهی کارگران و زحمتکشان را و مبارزه برای تحقق آرمان های طبقه کارگر را در صدر برنامه های خود قرار داد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی کشور بود که در برنامه خود علاوه بر شعار های مردمی و دفاع از آزادی و استقلال میهن، خواهان تصویب قانون کار، کاهش زمان کار روزانه به هشت ساعت، برسمیت شناختن اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری و احقاق حقوق سیاسی، از جمله حق رأی به زنان شد. فعالیت های توده ای ها برای متشکل کردن جنبش کارگری کشور خیلی زود به ثمر نشست. به ابتکار حزب در اول ماه مه ۱۳۲۴ (۱۹۴۴)، «اتحادیه کارگران راه آهن ایران» و «اتحادیه زحمتکشان ایران»، «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» را به عنوان نخستین سازمان واحد صنفی طبقه کارگر ایران بنیاد نهادند و گام مهم و موثری را در راه سازماندهی کارگران و زحمتکشان برداشتند. «شورای متحده» که در هنگام تشکیل دارای ۵۰ هزار عضو بود، توانست در اندک زمانی بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند، و به یک نیروی عظیم و تعیین کننده اجتماعی - سیاسی بدل شود. ارگان مرکزی شورا به نام «ظفر» و جانشین آن روزنامه «بشر»، توانست نقش موثری در رشد آگاهی طبقه کارگر و دهقانان، و آشنا کردن آنان به حقوق صنفی، اجتماعی و سیاسی شان ایفاء کند. «شورای متحده» با وجود غیر قانونی بودن ایجاد هرگونه تشکل در واحد های شرکت نفت، توانست در شرکت نفت سازمان های مخفی کارگری تشکیل دهد و به مبارزه بپردازد. در اول ماه مه ۱۳۲۵، در یکی از بزرگترین نمایش ها و حرکت های کارگری تاریخ کشور ما هشتاد هزار نفر در تهران و ۲۵۰ هزار نفر در شهرستان ها بمناسبت عید بزرگ کارگری، راهپیمایی کردند. جنبش طبقه کارگر در این دوران، زیر رهبری حزب توده ایران بسرعت سیاسی شد و کارگران نقش مهمی در جنبش ملی شدن صنایع نفت ایفاء کردند. اعتصاب بزرگ کارگران شرکت نفت جنوب در تیرماه ۱۳۲۵، به دست عشایر مسلح جنوب و به رهبری مستشار سفارت انگلیس که به خوزستان رفته بود، به خون کشیده شد و نشان داد که استعمار و ارتجاع چه هراسی از رشد و

از اعتصاب کارگران کارخانه چرمسازی تبریز در ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸، که یکی از نخستین حرکت های کارگری مدون در تاریخ معاصر کشور ماست، بیش از هشتاد سال می گذرد. هشتاد سال است که طبقه کارگر در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی رزمیده است و در این راه فداکاری های کم نظیری از خود نشان داده است. بررسی این تاریخ غنی و افتخار آفرین کاری است که در این مختصر نمی گنجد، و آنچه در اینجا باختصار به آن اشاره خواهد رفت، تنها گوشه هایی از این تاریخ سراسر پیکار و فداکاری جنبش کارگری میهن ماست.

پیدایش، رشد و گسترش جنبش کارگری در کشور ما پیوندی نزدیک با فعالیت سوسیال دموکرات های انقلابی (بلشویک) در روسیه و ماوراء قفقاز دارد. بر اساس برخی بررسی های تاریخی، حدود پنج درصد مجموع کارگران موسسه های ماوراء قفقاز و پنجاه درصد کارگران نفت باکورا ایرانیائی تشکیل می دادند که عمدتاً در جنبش کارگری این نواحی به رهبری بلشویک ها شرکت فعال داشتند، و از میان آنهاست که شخصیت های برجسته ای مانند حیدر عموغلی، یکی از رهبران انقلاب مشروطیت و صدر حزب کمونیست ایران، بیرون آمده اند. شرکت گسترده کارگران و سوسیال دموکرات های انقلابی در مشروطیت و نقش برجسته ای که حیدر عموغلی در آن ایفاء کرد سبب شد که برخلاف تمایل بورژوازی کشور، انقلاب مشروطیت زرفش بیشتری یافته و تأثیری عمیق تری در تاریخ معاصر میهن ما برجای گذارد.

یکی از نخستین اعتصاب های کارگری در ایران، که در کتاب های مراجع تاریخی به آن اشاره شده است، اعتصاب ۱۵۰ نفری کارگران کارخانه چرمسازی تبریز در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸، به رهبری سوسیال دموکرات ها است. در این اعتصاب، کارگران با هوشیاری و وحدت عمل به مبارزه برای تحقق خواست های خود پرداختند. ایجاد صندوق اعتصاب و تشکیل کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان، از جمله اقدام های کارگران در این اعتصاب بود، که سرانجام با پیروزی کارگران به پایان رسید. تشکیل حزب کمونیست ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰)، مرحله نوینی در تاریخ جنبش کارگری ایران بود. انتشار نشریات روشنگرانه، از جمله روزنامه «حقیقت»، با شعار «رنجبر روی زمین اتحاد»، در سال ۱۳۰۰ و به مدیریت سید محمد دهگان، که در عین حال بعنوان ارگان اتحادیه های کارگری وابسته به حزب، نیز منتشر می شد، و فعالیت چشمگیر کمونیست ها برای سازماندهی کارگران، جنبش کارگری را وارد مرحله کیفیتا نوینی کرد. انتشار نشریه های مترقی دیگر از جمله «کار» و به موازات آن «پیکان»، در سال های ۱۲۹۹ - ۱۳۰۲، کار بزرگی را در زمینه تبلیغاتی و آموزش طبقه کارگر و آشنا کردن کارگران با حقوق شان انجام داد و توانست بسیاری از کارگران، خصوصاً عناصر پیشرو، را به صفوف حزب جلب کند. ایجاد انجمن های صنفی - فرهنگی، از جمله «جمعیت فرهنگ رشت»، «انجمن پرورش قزویین» و «جمعیت فرهنگ بندرانزلی، و همچنین جمعیت «بیک سعادت نسوان» در رشت، و جمعیت «بیداری زنان» در تهران، در سال ۱۳۰۳، که برای نخستین بار روز ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن در ایران برگزار کردند، از فعالیت های جالب و در خور تحسین کمونیست ها در این دوران است.

به ابتکار کمونیست ها فعالیت در میان زحمتکشان، دهقانان و خصوصاً طبقه کارگر در حدی گسترش و بسط یافت که هسته های نخستین اتحادیه های بزرگ کارگری در ایران پایه ریزی شد. تأسیس اتحادیه «کارگران نفت جنوب» در سال ۱۳۰۴ با کمک فعالین حزب، از جمله ثمره همین فعالیت ها است. اتحادیه «کارگران نفت جنوب» نخستین تشکل کارگری ایران بود که ضمن مبارزه برای خواست های صنفی کارگران، خواست های سیاسی مشخصی را نیز طرح کرد. دومین کنفرانس این اتحادیه، در سال ۱۳۰۷، علاوه بر اتخاذ یک رشته تصمیم های سازمانی، تقاضای تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب را مطرح کرد. همزمان با برگزاری اول ماه مه نخستین اعتصاب بزرگ کارگری ایران، در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸، در صنایع نفت جنوب زیر رهبری مستقیم حزب کمونیست ایران برگزار شد

ادامه در صفحه ۵

**ایجاد تشکل های صنفی مستقل کارگری از مهمترین خواست های مطالباتی جنبش کارگری  
در شرایط کنونی است!**



## ادامه هشتاد سال جنبش کارگری در ایران

گسترش مبارزه طبقه کارگر دارند. حرکت کارگران و حزب توده ایران به مثابه حزب طبقه کارگر ایران در ۲۳ تیرماه ۱۳۳۰، دولت ارتجاعی قوام و استعمارگران را با شکست بزرگی روبرو کرد. در این روز جنبش در تهران ۸۰۰ نفر کشته و زخمی داد و نشان داد که چگونه اتحاد نیروهای ملی، جنبش کارگری و زحمتکشان توان آن را دارند که بررغم توطئه مشترک ارتجاع و امپریالیسم، از مواضع خود پیروزمندانه دفاع کند و به پیروزی های بزرگی دست یابد.

در این سال ها، فعالیت چشمگیر حزب در سازماندهی طبقه کارگر و بالا بردن آگاهی آن از طریق انتشار صدها نشریه، کتاب، مجله، رساله فلسفی، اقتصادی، توانست نقش موثری در رسوخ اندیشه های مترقی در جامعه ما ایفاء کند. آشنایی ایرانیان با بسیاری از مکاتب فلسفی جهان و خصوصاً با جهان بینی دورانساز مارکسیسم - لنینیسم، بعنوان سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش، مدیون فعالیت عظیم فرهنگی - سیاسی حزب توده ایران در این دوران است. امپریالیسم و ارتجاع، هراسان از رشد چشمگیر جنبش کارگری و در رأس آن حزب توده ایران، توطئه کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را در وهله اول برای سرکوب و نابودی جنبش کارگری و کمونیستی ایران سازماندهی کردند. اسناد علنی شده وزارت خارجه انگلستان و آمریکا، در این تایید این حقیقت، پاندازه کافی افشاگرانه و گویا است. دوران ۲۵ ساله حکومت محمد رضا پهلوی، دوران سرکوب شدید جنبش کارگری و در عین حال دوران مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل رژیم ارتجاعی و وابسته شاه بود. در سال ۱۳۳۴، کارگران نفت با وجود سلطه مجدد کنسرسیوم نفت، دست به اعتصاب زدند و در تابستان و پاییز سال ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجد سلیمان و آغاچاری، در یک سلسله اعتصاب ها و اعتراض های وسیع، به مبارزه ضد رژیم و شرکت نفت برخاستند. در اصفهان در طول سال ۱۳۳۷ کارگران کارخانه های گوناگون بارها در اعتراض به شرایط دست به اعتصاب زدند. یکی از بزرگترین اعتصاب های کارگری دهه ۳۰، اعتصاب بزرگ و سازماندهی شده ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه های تهران در خرداد ماه ۱۳۳۸ بود. این اعتصاب ضربه سهمگینی بر پیکر رژیم کودتا بود. در این اعتصاب ۵۰ کارگر در اثر یورش مزدوران رژیم کشته و عده زیادی زخمی شدند، و صدها کارگر نیز روانه زندانها گردیدند. رژیم شاه این اعتصاب بزرگ کارگری را از چشم حزب توده ایران می دید و برای مرعوب ساختن و انتقام گرفتن از آن، رفیق مهندس علی علوی، عضو هیات اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران را، که در زندان شاه اسیر بود، در ۲۵ خرداد ماه با شتاب به جوبه اعدام سپرد. در همین دوران است که به موازات گسترش مناسبات سرمایه داری، بویژه از دهه ۴۰ به بعد، طبقه کارگر نقش و جایگاه مهم تری در تولید اجتماعی پیدا کرد. رژیم کودتا که خود را در مقابل جنبش رو به رشد طبقه کارگر می دید، دست به مانور زد؛ تشکیل کنفرانس های کار، تجدید نظر در پاره ای از مواد قانون کار و بیمه های اجتماعی، تصویب قانون سهام کردن کارگران در سود ویژه کارگاه ها، تشکیل سندیکاها کارگری وابسته به دولت از سویی، و تشدید ترور و اختناق از سوی دیگر، از جمله تدابیری بود که رژیم شاه برای مهار جنبش کارگری ایران اتخاذ کرد. در فاصله سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ بررغم تشدید فشار بر کارگران، با استفاده از سندیکاها مجاز کارگران، دست به سازماندهی اعتصاب های متعددی در شرکت نفت و بسیاری از واحدهای تولیدی کشور زدند.

طبقه کارگر ایران نقش حساس و سرنوشت سازی را در جنبش مردمی ایران و پیروزی انقلاب بهمین ۱۳۵۷ ایفاء کرد. اعتصاب های بزرگ و طولانی در صنایع نفت، کمر رژیم کودتا و وابسته شاه را در هم شکست، و راه را برای پیروزی نهایی جنبش باز کرد. با وجود نقش چشمگیر جنبش کارگری در انقلاب، طبقه کارگر بدلیل پراکندگی، سال های طولانی سرکوب، عدم وجود تشکل های صنفی، و پیوند ضعیف با پیشاهنگ خود، حزب توده ایران، نتوانست سهمی را در رهبری جنبش مردمی و سپس حاکمیت برآمده از انقلاب، بدست آورد، و این یکی از ضعف های بزرگ انقلاب بود. حاکمیت برآمده از انقلاب، در شرایط ادامه مبارزه درونی و فرمانروایی جوا انقلابی بر جامعه، به تن دادن به یک رشته اقدام های پراهمیت مجبور شد. ملی کردن ۷۰ درصد صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای فراملی، در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ موسسه صنعتی کوچک توسط دولت، ملی کردن بانک های خصوصی و شرکت های بیمه که با مشارکت سرمایه داخلی و انحصارهای فراملی بوجود آمده بود، تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به بند «ج» و «د»، سیادت دولت بازرگانی خارجی، و افزایش حداقل دستمزدها از ۲۱۷ ریال به ۵۱۷ ریال، از جمله این اقدامات بود.

با پیروزی انقلاب و آغاز فعالیت علنی احزاب و سازمان های مترقی، خصوصاً حزب توده ایران، فعالیت و سازماندهی در بین طبقه کارگر ابعاد نوینی پیدا کرد. پیدایش سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری وضعیت جدیدی را بدید آورد. در نخستین ماه مه پس از انقلاب، صدها هزار نفر در سراسر ایران در بزرگداشت این روز خجسته کارگری، شرکت کردند، و در عین حال خواهان ادامه تعمیق انقلاب و تحکیم دستاوردهای اجتماعی آن گردیدند. حاکمیت برآمده از انقلاب که از ترس انقلاب سخت در هراس بود، گام به گام از قول های داده شده، از جمله اجرای اصلاحات ارضی و حرکت به سمت استقرار عدالت اجتماعی، ظفره رفت و با استفاده از بهانه آغاز جنگ ایران و عراق، فروکش کردن جوا انقلابی و عدم اتحاد نیروهای مترقی و آزادیخواه انقلاب را به مسیر انحراف و سرانجام شکست کشاند. آغاز جنگ، بسته شدن بسیاری از



### نخستین تظاهرات ماه مه پس از پیروزی انقلاب بهمین

واحدهای تولیدی و نابودی بسیاری از صنایع در جریان جنگ، در سال های نخست انقلاب، در عین حال نقش تعیین کننده ای در کاهش شمار کارگران نسبت به نیروی فعال جامعه داشت. ارتجاع هراسناک از رشد جنبش کارگری و مردمی در مقابل سیاست های اتخاذ شده از جمله لایحه ارتجاعی قانون کار، عدم اجرای اصلاحات ارضی، قانون قصاص، محدود کردن آزادی ها و غیره روند سرکوب رسمی و وسیع نیروهای دگراندیش را از سال ۱۳۶۰، آغاز کرد و هزاران انسان آزادیخواه را دستگیر و روانه شکنجه گاه کرد. یورش به حزب توده ایران، در حالی که طبقه کارگر مقاومت و کارزار همه جانبه ای را ضد قانون کار ارتجاعی دستیخت رژیم و وزیر کار آن، احمد توکلی، آغاز کرده بود، نشانگر هراس عمیق رژیم از نقش و فعالیت حزب در صفوف کارگران بود. دستگیری هزاران توده ای از جمله برخی از چهره های سرشناس جنبش کارگری مانند رفیق شهید علی شناسایی، سازماندهی شوهای تلویزیونی، و سرکوب خش و وحشیانه دگراندیشان، نتوانست جنبش کارگری را به سکوت وادار کند. مقاومت کارگران در مقابل قانون کار احمد توکلی، و شکست مفتضحانه رژیم که در انتها منجر به برکناری احمد توکلی نیز گردید، نشان داد که طبقه کارگر ایران از چه توان و نیرویی بهره مند است.

با وجود سال ها سرکوب خشن جنبش مترقی و کشتار هزاران مبارز راه آزادی از جمله شمار زیادی از فعالان و کادریهای جنبش کارگری، طبقه کارگر ایران همچنان به مبارزه خود برای دستیابی به حقوق صنفی - سیاسی ادامه داده است. اعتصاب شکوهمند کارگران نفت در انتهای سال ۱۳۷۵ و آغاز سال ۱۳۷۶، نقش وسیع کارگران در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و شکست مفتضحانه رژیم «ولایت فقیه» و نامزد رسمی آن، در کنار دهها اعتصاب کارگری در ماه های اخیر از نقش و تأثیر مهم و سرنوشت ساز بیکار طبقه کارگر ایران در جنبش عمومی خلق برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی حکایت دارد. اعتصاب های ماه های اخیر، صرفنظر از اهمیت صنفی آن، پاسخ طبقه کارگر به رژیمی است که با وعده های دروغین و فشار و سرنیزه، تلاش می کند تا آرامش گورستانی را در میهن ما برقرار کند.

طبقه کارگر ایران هشتاد سال است که به مثابه پیگیر ترین نیروی اجتماعی، در راه آزادی میهن از بندهای استبداد و استعمار رزمیده است. کمتر حادثه و رویداد تاریخی را در دوران معاصر می توان یافت که جنبش طبقه کارگر ایران و پیشاهنگ سیاسی آن در آن نقش و تأثیر بسزایی نداشته است. این جنبش سراسر پیکار و دلاوری، حکایت از خودگذشتگی قهرمانانی می کند که صفحات درخشان و جاودانی را در تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم میهن ما رقم زده اند. هشتاد سال است که ارتجاع، استبداد و امپریالیسم می کوشند تا این تاریخ را واران جلوه دهند، قهرمانان آن را بدنام کنند، و نسل جوان کشور را از این گنجینه گرانبها محروم سازند. صدها کتاب، نوشته و مقاله در تحریف جنبش کارگری نوشته شده و می شود. رژیم جمهوری اسلامی در سال های اخیر، در این زمینه، از همه امکانات و توان خود بهره برده است. با وجود همه این تلاش ها، و با وجود همه فراز و نشیب هایی که جنبش کارگری در هشتاد سال گذشته پشت سر گذاشته است، حقیقت این است که تاریخ مبارزات کارگران ایران، تاریخ جنبش کارگری و تاریخ حزب توده ایران به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، تاریخ سنن انقلابی و مبارزه برای جامعه ای عادلانه و آزاد است، و از این رو است که با وجود سال ها سرکوب، هزاران کشته، و ده ها هزار سال زندان، جنبش کارگری همچنان زنده است و به پیکار بی وقفه خود ادامه می دهد.



### ادامهٔ عقب نشینی «ولی فقیه» ...

نیروهای دگراندیش مذهبی و غیر مذهبی، نه تنها کاربرد سابق خود را از دست داده اند، بلکه به شکل روز افزونی با مقاومت و ضد حمله نیروهای مردمی روبرو می شود. در این زمینه قطعنامهٔ دانشجویان، و تقاضای آنان برای برکناری شیخ محمد یزدی به عنوان سمبل ارتجاع، استبداد و مدافع سرسخت «ذوب در ولایت»، در کنار خواست آنان برای واگذاری برخی از اختیارات خامنه ای، از جمله مسؤلیت نیروهای انتظامی، به وزارت کشور، از نمونه های جالب ضد حمله نیروهای مردمی علیه ارتجاع حاکم است.

دوم آنکه، برخوردهای حاد میان نیروهای گوناگون حاکمیت و تشدید بحران در «بالا»، مجموعهٔ رهبری رژیم را بی اعتبار و فلج کرده است. اعتراض گروهی از «انصار حزب الله» در نماز جمعه تهران به سخنان رفسنجانی، سخنان نمایندهٔ دماوند در مجلس ضد رفسنجانی، و زنده جراحی های دیگر از «بی اعتبار کردن شخصیت های انقلاب»، از جمله نمونه های جالب این برخوردها است. روزنامهٔ جمهوری اسلامی در هشداری به این مسأله و خصوصاً بی اعتبار شدن خامنه ای به عنوان «رهبر انقلاب»، می نویسد: «جایگاه رهبری به عنوان مظهر اقتدار و وحدت جامعه اسلامی بایستی برای ایفای نقش کارآمد و انحصاری خویش در فراز و نشیب های حساس آینده انقلاب ذخیره گردد و مسؤلان کشور در هر مشکل کوچک و عادی نباید متوسل به دخالت این قدرت معنوی گردند...» (روزنامهٔ جمهوری اسلامی، دو شنبه، ۳۱ فروردین، ۱۳۷۷).

سوم آنکه: مردم نشان دادند که آماده اند برای تحقق خواست هایشان به شکل آشکار تری با رژیم و مزدوران آن درگیر شوند. تظاهرات دانشجویی و مقابلهٔ آنان با یورش پلیس ضد شورش، از جمله مظاهر این آمادگی است. حوادث اخیر همچنان نشان می دهد که توده ها هنوز امیدوارند تا با استفاده از «مجاری» قانونی و از طریق دولت خاتمی به برخی تغییرات سیاسی - اجتماعی موفق شوند. در عین حال یک سال پس از انتخابات دوم خرداد ماه، هنوز هیچ یک از قول های انتخاباتی دولت خاتمی تحقق نیافته است، و توده ها با تجربه عملی خود به این ارزیابی دیرینه حزب ما نزدیک می شوند که با ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحقق تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک امیدوار بود. ساختار قرون وسطایی و عمیقاً ارتجاعی رژیم «ولایت فقیه» نه تنها توان «استحاله» شدن را ندارد، بلکه سد راه هرگونه تغییری است که «مطلقیت» حاکمیت آن را تهدید کند. تأکید روزهای اخیر سران جناح راست، از جمله ناطق نوری و جنتی در نماز جمعه تهران، و خود سید علی خامنه ای، بر ضرورت حفظ «ولایت» به مثابه اساس «نظام»، نیز برای از زیر ضربه خارج کردن «ولایت فقیه» به عنوان تنها مستمسک باقی مانده برای حفظ ساختار ضد مردمی و پوسیدهٔ کنونی است.

چهارم آنکه: با توجه به ادامه و گسترش بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی، خصوصاً تشدید بحران مالی رژیم به سبب کاهش چشمگیر قیمت نفت، شرایط زندگی مردم روز به روز خراب تر و دشوار تر خواهد شد و مسیر اینجنانی شرایط نیز ناراضی تری توده ها از اوضاع را تشدید خواهد کرد. افزایش ۵۰ درصدی بهای نان در روزهای اخیر با وجود دستور دولت و اعتراض های مردمی از جمله نمونه های این ناراضی تری است. از آنجائیکه رژیم هیچ چشم انداز کوتاه مدتی برای بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی پیش رو ندارد، باید انتظار داشت که در ماه های آینده اعتراض ها و برخورد های مردمی بازم گسترده تر شود.

پنجم آنکه: جنبش اعتراضی و مطالباتی توده ها در کورهٔ مبارزهٔ ماه های اخیر تجربه های گرانقدری کسب کرده است. حرکت های اعتراضی به شکل روز افزونی رنگ و بوی سیاسی به خود می گیرد، و روند برقراری ارتباط ارگانیک و نزدیک میان مبارزات و مطالبات صنفی - اجتماعی و جنبش عمومی خلقی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، آغاز شده است. ده ها اعتصاب کارگری در ماه های اخیر با شعارهای مشخص و نسبتاً هماهنگ در مقابل فشار کمر شکن زندگی، و بالاخره خواست ایجاد تشکل های صنفی مستقل، از نمونه های بودن دستمزدها در مقابل فشار کمر شکن زندگی، و ارتباط این ارتجاع است. در کنار این حرکت های روبه رشد کارگری، جنبش دانشجویی کشور نیز جوش و خروش تازه ای پیدا کرده است و بار دیگر دانشگاه های کشور به یکی از مراکز پر تحرک مبارزه ضد ارتجاع بدل شده است. نکتهٔ جالب تر اینکه حرکت های اعتراضی دانشجویان در ماه های اخیر بیش از آنکه رنگ و بوی صنفی داشته باشد، عمدتاً حول شعارها و خواست های سیاسی روز سازماندهی شده است. نتیجهٔ اینکه: روند آغاز شده، شمارش معکوس برای انفجار عظیم اجتماعی است که دیر یا زود گریبان رژیم «ولایت فقیه» را خواهد گرفت. خاتمی، در سفر اخیر خود به سیستان و بلوچستان، در تأیید این امر از جمله یادآور شد: «برای مدتی می توان همه صداهای خاموش کرد ولی بالاخره صداهای خاموش شده به صورت انفجاری بروز خواهد کرد...» (اطلاعات بین المللی، پنجشنبه، ۳ اردیبهشت، ۱۳۷۷). طلسم هراس از استبداد در حال شکسته شدن است و توده های مردم، کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و زنان بطور روز افزونی تنها چاره را مبارزه رو در رو با رژیم می بینند که مشروعیت خود را از دست داده است، و تنها به زور سرنیزه است که بر سر کار باقی مانده است.

مسأله اساسی در شرایط کنونی، رهبری سیاسی جنبش و طرح شعارهای دقیق و همخوان با نیازهای روز است، که بتواند مبارزه را در مسیر درست و اصولی به سمت تغییرات بنیادین، پایدار و دموکراتیک هدایت کند. در ماه های آینده موضوع انتخابات مجلس خبرگان، به عنوان یکی از حساس ترین ارگان های رهبری رژیم، که حق عزل و نصب «ولی فقیه» را دارد در پیش است. گزارش های رسیده نشانگر نگرانی شدید جناح راست و شخص «ولی فقیه» از نتیجه این انتخابات است. حلقهٔ محاصره بدور رژیم «ولایت فقیه» آقدر تنگ شده است که سران آن حتی از بخشی از روحانیت و حرکت های آنان نیز در هراس اند. انتخابات شوراها که نیز در پیش است، عرصه دیگری از تنش های حاد میان مردم و رژیم، خصوصاً نهادهایی مانند شورای نگهبان، قوه قضائیه و غیره، خواهد بود. باید با هوشیاری تمام از شرایط نوین پیش آمده در کشور به نفع پیشبرد جنبش به سمت طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی بهره جست. اتحاد عمل، هوشیاری و شعارهای مشخص سیاسی برای تغییرات اساسی ساختار پوسیدهٔ حاکم، کلید پیروزی مبارزه در شرایط کنونی است.

### ادامهٔ پیام های احزاب کارگری و ...

#### ● کمیتهٔ هماهنگ کنندهٔ جبههٔ

#### آزادی بخش ملی بحرین

نمایندگان محترم، رفقای عزیز، بسیار خوشوقتم گرم ترین درودهایمان را به همه نمایندگان، اعضاء و دوستان حزب توده ایران تقدیم و برای کنگرهٔ شما آرزوی موفقیت کنیم. فرصت را غنیمت می شماریم و از پیوند های بسیار نزدیک و صمیمی میان حزب توده ایران و جبههٔ آزادی بخش ملی بحرین، بویژه در سالهای دهه پنجاه و شصت میلادی، یاد کنیم. وظیفه خود می دانیم که درودهای گرم خود را نثار آن رفقای ایرانی کنیم که بدون تلاش و فداکاری شان ما نمی توانستیم در سازماندهی و پیشبرد اهداف حزبمان و جنبش ملی مان در مبارزه با استعمار، امپریالیسم و استبداد، موفق شویم. امروز، زمانی که حزب شما و ملت ایران با رژیم دیکتاتوری مذهبی روبرو است، و هرروز به دستاوردهای بیشتری در مبارزه با این رژیم نایل می شود، کنگره شما وظیفهٔ خطیری در راه تثبیت و گسترش این دستاوردها دارد.

تردید نیست که این کنگره به حزب شما کمک خواهد کرد تا بتوانید در تشدید مبارزه و تشکیل جبهه متحد ضد دیکتاتوری نقش اساسی را ایفاء کنید. جبهه ای که رژیم را وادار به عقب نشینی کند و راه را برای تغییرات بنیادی به سود دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور شما هموار سازد. اطمینان داشته باشید که در مبارزه تان همبستگی قاطع ما با شما ادامه خواهد یافت. در همین جا لازم می دانیم از شما به خاطر همبستگی تان با مبارزهٔ مردم بحرین در راه دموکراسی، آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، فراهم کردن امکان اینکه صدها بحرینی که به اجبار ترک وطن کرده اند بتوانند به سلامت به سرزمین مادری شان باز گردند، و پایان شکنجه و نقض حقوق بشر، تشکر کنیم.

با بهترین آرزوها  
کمیتهٔ هماهنگ کنندهٔ جبههٔ آزادی بخش ملی  
بحرین و جبههٔ خلق بحرین

#### ● حزب کمونیست اردن

اجازه دهید به نمایندگی از سوی کمونیست های اردنی، درودهای گرم و رزمجویانه خود را به شما تقدیم کنیم و همبستگی خود را با مبارزه شما برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام داریم. کنگره حزب شما در شرایط نوین جهانی و تحولات مهم در داخل ایران برگزار می شود. به گمان ما روشن است که مردم شما در انتخابات ماه مه (خرداد) انزجار خود را از ادامهٔ نزدیک به دو دهه حکومت روحانیون اعلام کرده اند. برای ما تشدید مبارزهٔ حزب تودهٔ ایران و نقش آن در تحولات آیندهٔ ایران تضمینی برای پیروزی دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی است. .. به انتظار دریافت اسناد کنگرهٔ شما هستیم.

با گرم ترین درودهای رفیقانه  
دبیرکل حزب کمونیست اردن



# مبارزه ای دشوار برای تامین حقوق سندیکائی در جهان

است: آنهایی که کار خود را از دست داده اند و آنهایی که نگران از دست دادن کارهای خود هستند و لذا ناچارند به کاهش دستمزد و شرایط کاری بدتر تن در دهند».

## حتی سازمان بین المللی کار هم نگران است!

در سالهای پس از فروپاشی اردوگاه کشورهای سوسیالیستی، و در پی آن، تجدید صف بندی های جدید در صحنه کارزار جهانی برای حقوق کارگری، اجلاس های سالانه سازمان بین المللی کار به یکی از عرصه های مهم مبارزه تبدیل شده است. تصمیم های این جلسات را که در آن هیأت های کشورهای عضو - مرکب از نمایندگان دولت، نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان سازمان های «مجاز» کارگری به بحث درباره وضعیت کارگران و اعمال پیمان های متعدد در این ارتباط که به امضای اکثر این کشورها رسیده است - می پردازند، با وجود برخی ضعف های ذاتی و ساختاری سازمان بین المللی کار، که محصول رابطه گره خورده آن با سازمان ملل متحد است، نباید کم اهمیت تلقی کرد.

در جریان ۸۵ مین کنفرانس بین المللی کار که در خرداد ماه گذشته در ژنو، در مقر سازمان بین المللی کار، برگزار شد، بحث گسترده ای در اطراف پیشنهاد های مایکل هنسن، مدیر کل سازمان بین المللی کار، انجام گرفت. مایکل هنسن در سخنان خود در اجلاس عمومی کنفرانس بین المللی کار گفت: «این معیارهای ما است که جای سازمان ما را در قرن آینده مشخص خواهد کرد...» اساس پیشنهاد هنسن متوجه تضمین احترام و رعایت بین المللی حقوق اساسی کارگری در اقتصاد جهانی است. این امر قرار است از طریق تصویب یک بیانیه رسمی، در جریان کنفرانس آتی سازمان بین المللی کار که در خرداد ماه سال جاری برگزار خواهد شد، انجام گیرد. در جمع بندی نهایی بحث های کنفرانس بین المللی کار، هنسن اظهار داشت: «اگرچه شماری از کشورها مخالفت خود را با این ابتکار اعلام کرده اند... با وجود این در گروه دولتها و همچنین در گروه کارفرمایان و کارگران در موافقت با گنجاندن این اصل و همچنین شیوه های اعمال آن، اتفاق نظر وسیعی وجود دارد».

هنسن گفت که هیأت رئیسه «کار خود را در این باره ادامه خواهد داد»، و پیشنهاد های دریافتی در دستور کار کنفرانس سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۹۸ قرار خواهد گرفت.

## سازمان بین المللی کار جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد!

کمیته نظارت بر اعمال قوانین و معیارهای سازمان بین المللی کار، در گزارش خود به کنفرانس سال ۱۹۹۷ عدم رعایت معیارهای بین المللی به رسمیت شناخته شده در مورد حقوق کارگران، از جمله کار اجباری، تبعیض و نقض حق تشکل، را توسط دولت های ایران، برمه، مراکش، نیجریه، سودان و سوازیلند «مواردی برای نگرانی ویژه» خود دانست. ایران به نقض معیار شماره ۱۱ در مورد تبعیض در کار و اشتغال متهم است. در جریان مباحثات کمیته نظارت، مطرح شد که جمهوری اسلامی ایران به تبعیض برنامه ریزی شده در اشتغال بر پایه جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی ادامه می دهد. کمیته نظارت بدلیل وخامت اوضاع «قویا دولت جمهوری اسلامی را فرا خواند تا در اسرع وقت یک هیأت ویژه ارتباط مستقیم (برای تحقیق در این مورد) را بپذیرد...» مدارک ارائه شده در مورد ایران مشتمل بود بر تبعیض نسبت به زنان مخصوصاً در قوه قضایی که بر طبق اطلاعات موجود بانوان فقط میتوانند در پست های مشورتی و حمایتی و یا در اداره برای حفاظت کودکان اشتغال داشته باشند. از جمله اتهام های دیگر مورد بررسی تبعیض مذهبی بود، از جمله تبعیض نسبت به مذهبی که به رسمیت شناخته نمی شوند (مانند بهائیت)، و تبعیض نسبت به مسلمانانی که بنظر می رسد که وظایف دینی خود را انجام نمی دهند.

بحث درباره حقوق کارگری، تاثیر متقابل این حقوق بر موفقیت اقتصادی، نهادهای جامعه مدنی، و لزوم توافق بین المللی در ارتباط با برخی معیارهای اساسی جهت تامین این حقوق، در سالهای اخیر ابعاد گسترده تری یافته است. قبول این حقیقت که حقوق سندیکائی بخشی جدا ناشدنی از حقوق بشر است از سوی بسیاری از نهادهای جهانی نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی کار (ILO) به بحثی همه جانبه با اهداف متفاوت، و بعضاً متضاد، در مورد لزوم رعایت قوانین سندیکائی، حقوق کارگران و شرایط کاری آنان دامن زده است. در حالیکه سالیانی دراز کارزار همه جانبه و بغرنجی ضد اتحادیه های کارگری در کشورهای سرمایه داری پیشرفته در جریان بوده است، دولت های سرمایه داری در برخی موارد با حربه «دفاع از حقوق کارگران» سعی به کسب نوعی برتری اقتصادی و گسترش بازارهای خود در برخی کشورها دارند. از سوی دیگر شماری از کشورهای سرمایه داری، خصوصاً در جهان سوم، از سیاست سرکوب اتحادیه های کارگری همچون عاملی مثبت در بهبود عملکرد اقتصادی بهره جسته، و هرگونه انتقادی در این باره را دخالت «امپریالیستی» و غیر قابل قبول می دانند. این دسته از کشورها هرگونه کوششی در جهت در نظر گرفتن وضعیت حقوق بشر، و به تبع آن حقوق سندیکائی، را چونان عاملی برای گسترش روابط تجاری و بین المللی، مردود می شمارند. موضع رژیم ضد کارگری حاکم در کشورمان، در این ارتباط، در تطابق با مواضع ارتجاعی ترین محافل حاکمه در جهان، و در راستای مقاومت در مقابل تصویب هرگونه مقاله نامه بین المللی است که به حقوق بشر و یا حقوق سندیکائی اهمیت ساختاری بدهد، و حق دولت ها را به دخالت آشکار در امور سندیکائی زیر علامت سؤال ببرد. مبارزان جنبش کارگری در سراسر جهان، در شرایط دشوار بین المللی تلاش می کنند که ضمن دفاع پیگیر از حقوق کارگری و گسترش سندیکاها، جنبه ضد استعماری و ضد استعماری واقعی فعالیت اتحادیه های کارگری را برجسته سازند.

## نولیبرالیسم ضد کارگری!

مارگارت تاچر، نخست وزیر اسبق انگلستان، و رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا، در اوایل دهه ۸۰ میلادی، سیاست های اقتصادی را مطرح و دنبال کردند که هدف اساسی آن «آزاد» کردن سرمایه از هرگونه «قید و بند» اجتماعی بود. اتخاذ سیاست در های «باز»، حرکت «آزاد» سرمایه، محدود کردن بخش دولتی و عمومی اقتصاد، و برخورد خصمانه و آشتی ناپذیر با تشکل های مستقل کارگری بعنوان دشمن، از مشخصه های بارز این دوران است. آثار این سیاست ها که بصورت موج قدرتمند و گسترده ای از «نظارت زدایی» و «خصوصی سازی» اکثر اقتصاد های جهان را تحت تأثیر قرار داد، تبعات نامطلوبی برای جنبش کارگری جهان داشته است. سند بررسی سالانه نقض حقوق سندیکائی در سال ۱۹۹۷، که توسط کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) منتشر می شود، در این زمینه حاوی نکات جالبی است.

در مقدمه گزارش ICFTU از جمله آمده است: «رهبران و اعضای اتحادیه های کارگری توسط طرفداران لیبرالیسم اقتصادی بعنوان تخریب گران جنبش عظیم جهانی شدن شمرده می شوند. آنها (یعنی رهبران و اعضای اتحادیه های کارگری) خشم دولت ها را که به فشار بازارها و محافل مالی گردن نهاده اند، برانگیخته اند... بر پایه اطلاعات واصله توسط ICFTU در سال ۱۹۹۶ حداقل ۲۲۶۴ کارگر به جرم فعالیت های سندیکائی که در قوانین کاری منتشره سازمان بین المللی کار مجاز شمرده شده است، دستگیر و بازجویی شده اند و بسیاری نیز مورد شکنجه قرار گرفته اند، و اعتصاب ها و تظاهرات مسالمت آمیز با برخورد خشن آ میز پلیس مواجه بوده است... برغم سرکوب جنبش کارگری، و با وجود اتخاذ شیوه های موزیانه برای به انزوا کشیدن و کم اثر کردن فعالیت اتحادیه های کارگری، آنها توانسته اند به مبارزه و فعالیت خود ادامه دهند».

گزارش در انتقاد به سیاست های نولیبرالیستی «بر طرف کردن موانع تجارت جهانی»، «انعطاف ناپذیری بازار کار» و همچنین تسلیم کامل به «قوانین بازار» را مورد تحلیل قرار می دهد. در این بخش مطرح می شود که «رقابت شدید... نیروی کار، در کشورهای صنعتی، را به دو گروه تقسیم کرده



تان که در شرایط بسیار دشواری برگزار می شود، موفقیت آرزو کنیم. همچنین اجازه دهید تا همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزه اعضای حزب توده ایران که در بیست و سه سال گذشته در دشوارترین شرایط با رژیم سرکوبگر مذهبی پیکار کرده اند، ابراز داریم... مخالفت یکپارچه توده ها، در انتخابات ریاست جمهوری علیه رژیم «ولایت فقیه»، در کنار تشدید مبارزه، امید به تغییرات سیاسی و بهبود شرایط در کشور شما را افزایش داده است... اجازه دهید تا بار دیگر گرم ترین دروهای همبستگی خود را به چهارمین کنگره حزب شما تقدیم کنیم.

بتی فریدنسرگ  
صدر حزب کمونیست دانمارک

### ● حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز،  
بنام کمونیست های عراقی و دوستان آنان، ما، گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما و از طریق شما به تمامی اعضا، هوداران و دوستان حزب توده ایران، به مناسبت چهارمین کنگره حزب توده ایران تقدیم می کنیم. ما بخوبی از شرایط دشواری که حزب شما در آن برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند، آگاهیم. ما همچنین می خواهیم ضمن تأکید بر روابط دیرینه و گرم میان دو حزبمان، بار دیگر همبستگی کمونیست های عراقی را با مبارزه شما اعلام کنیم. ما برای کار کنگره شما موفقیت آرزو مندیم و با علاقه بسیار منتظر دریافت اسناد و نتایج آن هستیم. ما اطمینان داریم که کنگره حزب شما جان تازه ای به مبارزه حزب خواهد بخشید و نقش آنرا در مبارزه کنونی بیش از پیش ارتقاء خواهد داد.

رفقای عزیز،  
همانطوریکه مطلع اید، شرایط در کشور ما همچنان روبه وخامت دارد و فاجعه بزرگی، در صورت ادامه محاصره اقتصادی و ادامه دیکتاتوری میهن ما را تهدید می کند. رژیم دیکتاتوری صدام حسین، برای یافتن راه فراری از بحرانی عمیقی که در آن دست و پا می زند، سیاست ترور و اختناق را در داخل کشور تشدید کرده است، و از سوی دیگر سیاست های مخرب و ماجراجویانه ای را در مقابل با سازمان ملل دنبال می کند. سیاست هایی که تنها ثمره اش طولانی تر شدن محاصره اقتصادی تحمیل شده به مردم ماست. از سوی دیگر دولت آمریکا، در راستای منافع استراتژیک امپریالیسم، بر ادامه محاصره اقتصادی یا فشاری می کند تا از این طریق سلطه خود را بدون توجه به عواقب آن، بر مردم عراق تحمیل کند. مردم عراق قربانیان اصلی این سیاست ها، و در واقع، گروگان سیاست های آمریکا و رژیم دیکتاتوری هستند. حزب ما خاتمه دادن به محاصره اقتصادی مردم عراق، پایان دادن به رژیم دیکتاتوری و پایه ریزی یک عراق متحد و دموکراتیک با یک ساختار فدرالی برای کردستان عراق، را از جمله مهمترین وظایف مبارزه در شرایط کنونی می داند. برای دستیابی به این خواست ها حزب ما در راه سازماندهی توده ها برای یک مبارزه همه جانبه سیاسی تلاش می کند... ششمین کنگره حزب ما که در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ برگزار شد، برای اعتلای نقش حزب در زندگی سیاسی کشور، بر ادامه روند نوسازی و دموکراتیزه کردن تأکید کرد. ادامه و تثبیت این روند شرط ضروری برای رشد و تحول حزب و بالا بردن اعتبار آن در میان توده ها است. این روند حزب را برای مبارزه در شرایط بفرنج و دشواری کنونی آماده می کند.  
در انتها، ما بار دیگر برای چهارمین کنگره حزب شما موفقیت آرزو می کنیم و به شما در مورد ادامه همبستگی انترناسیونالیستی، خود اطمینان می دهیم.

زنده باد دوستی میان مردم ایران و عراق.  
زنده باد همبستگی بین المللی

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

ادامه در ص ۶

## پیام های همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی به چهارمین کنگره حزب توده ایران

### ● حزب کمونیست هند

رفقای عزیز،  
اجازه دهید به نمایندگی از سوی شورای مرکزی حزب کمونیست هند، گرم ترین دروهای انقلابی خود را به رهبری حزب شما و شرکت کنندگان در چهارمین کنگره حزب توده ایران تقدیم کنیم. حزب کمونیست هند به خوبی از شرایط کنونی کشور شما آگاه است و به مبارزه بیگیر توده ای ها ضد استبداد مذهبی و برای دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، به دیده احترام می نگرد. حزب کمونیست هند در سال های اخیر با نگرانی تحولات جهانی را دنبال کرده است. اگرچه دوران جنگ سرد به پایان رسیده است، ولی ما شاهد سیاست های برتری جوانه امپریالیسم آمریکا و خطراتی که از این بابت صلح و امنیت جهانی را تهدید می کند، هستیم. حرکات اخیر امپریالیسم ضد عراق از جمله نمونه های چنین سیاست های نواستعماری و ارتجاعی است.

حزب کمونیست هند معتقد است که، در این شرایط بفرنج جهانی، نیروهای چپ و خصوصاً کمونیست ها، باید دست در دست هم با ترفندها و تمایلات سلطه جوانه امپریالیسم به مبارزه برخیزند. اجازه دهید تا یکبار دیگر برای حزب شما در مبارزه تان در راه دموکراسی، صلح، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، پیروزی آرزو کنیم.

با دروهای کمونیستی  
شمیم فزی - دبیر شورای مرکزی حزب کمونیست هند

### ● حزب کمونیست استرالیا

رفقای عزیز،  
برای ما افتخاری است که دروهای گرم خود را به چهارمین کنگره حزب شما تقدیم کنیم. نبرد دلیرانه و پیگیر حزب شما و مردم ایران که با وجود سالها اختناق، سرکوب، شکنجه و اعدام همچنان به مبارزه ضد رژیم دیکتاتوری مذهبی در ایران ادامه می دهند، الهام بخش همگی ماست. ما با شما در ارزیابی رویدادهای ماه های اخیر، از جمله انتخابات ریاست جمهوری موافقیم. ما با این ارزیابی شما نیز توافق داریم که نیروهای ارتجاعی تمام تلاش خود را برای سد کردن هرگونه حرکتی به سمت تحقق خواست های مردم به کار خواهند گرفت... ما به این نکته توجه داریم که چهارمین کنگره حزب شما قرار است سندی درباره علل عقب گرد سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی به تصویب برساند. به نظر ما در حالیکه عوامل زیادی در شکل گیری این رویدادها نقش داشتند، ولی هیچیک از این عوامل دلیلی بر نادرستی اصول سوسیالیسم و مارکسیسم نیستند. اشکال با کسانی بود که مسؤلیت اجرای این اصول را بر اساس مارکسیسم - لنینیسم عهده دار بودند و نتوانستند بدرستی مسؤلیت خود را انجام دهند... ما اعتقاد داریم که باید با اطمینان، به آینده خوشبین بود. به توده ها اعتماد داشت و با اطمینان خاطر، از معتبر بودن احکام سوسیالیسم و مارکسیسم دفاع کرد... برای چهارمین کنگره حزب شما بهترین موفقیت ها را آرزو مندیم.

پیتر سیمون  
دبیر کل حزب کمونیست استرالیا

### ● حزب کمونیست دانمارک

رفقای عزیز،  
اجازه دهید تا گرم ترین دروهای خود را به شما تقدیم کنیم و برای کنگره حزب

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:530**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

29 April 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse